

روش در تحقیقات ادبی ایران

دکتر احمد رضی *

چکیده

روش تحقیق در هر رشته دانشگاهی، چراغ راه پژوهشگر برای رسیدن به حقایق علمی است و در صورتی که درست انتخاب شود، موجب پیشرفت و نوآوری در آن رشته خواهد شد. هدف از این مقاله، شناسایی نوع و ویژگیهای روش تحقیق ویژه مطالعات ادبی است. برای دستیابی به این هدف ابتدا گونه‌های متنوع تحقیقاتی که در عرصه زبان و ادبیات فارسی وجود دارد، معرفی می‌شوند و آنگاه تأکید می‌شود که برای انتخاب روش مناسب باید پس از شناسایی نوع مسأله تحقیق، به تبارشناسی آن پرداخت و آنگاه با توجه به اهداف و جنس مسأله، روشی را برگزید.

در این نوشتار، ضمن بیان ویژگیهای روش کیفی پژوهش، اغلب رویکردهای تحقیقاتی در عرصه ادبیات از نوع کیفی دانسته شده است. هدف در پژوهش کیفی رسیدن به قوانین ثابت نیست و پژوهشگر قصد ندارد با تعمیم یافته‌های خود به قانونی جهان شمول برسد، بلکه هدف او توصیف و فهم پدیده‌ها و در نهایت، رسیدن به الگوهاست. در این روش تأکید می‌شود که پژوهشگر برای دستیابی به فهم عمیق اثر ادبی باید با متن رابطه دوستانه برقرار کند و با خالق اثر همدردی کند.

* - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

واژه‌های کلیدی

روش تحقیق، پژوهش ادبی، ادبیات فارسی، پژوهش کیفی، میان رشته‌ای.

مقدمه

در گذشته تفاوت رشته‌های علمی را از راه تفاوت موضوع و هدف آنها می‌شناختند، اما امروزه بیشتر، تفاوت روشها را ملاک و میزان تفاوت رشته‌ها می‌دانند و معتقدند که هیچ علمی بدون روش نیست و ارزش یافته‌های پژوهشی وابسته به میزان درستی روشی است که از طریق آن به دست آمده است. بر اساس این نظر، انتخاب روش درست در تحقیقات علمی، گاهی بیشتر از استعداد و نبوغ پژوهشگر اهمیت دارد، زیرا روش نامناسب می‌تواند موجب توقف و رکود تحقیق شود، اما گزینش روش خوب می‌تواند پژوهشگر را سریعتر، آسانتر، دقیقتر و ارزانتر به نتیجه درست برساند.

به رغم اهمیتی که مقوله روش در تحقیقات علمی دارد، بحث از آن در پژوهشهای ادبی جدی گرفته نشده است و مرز میان روش ویژه تحقیقات ادبی، با تحقیقات در سایر رشته‌ها به صورت دقیق مشخص نیست. مؤلفان کتابهای روش تحقیق در ادبیات نیز، اغلب با اشاره به کتابخانه‌ای بودن پژوهشهای ادبی به طور مفصل وارد بحث مرجع شناسی شده‌اند و تنها بعضی از آنها قسمتی از کتاب خود را به معرفی برخی از فعالیتهای پژوهشی؛ مثل تصحیح نسخه‌های خطی اختصاص داده‌اند. در کتابها و مقالات ادبی نیز، معمولاً نویسندگان از روش تحقیق خود سخن به میان نمی‌آورند. به همین سبب، در عرصه تحقیقات ادبی، نوعی آشفتگی از جهت روش وجود دارد؛ از روشهای کمی و تقلیل‌گرایانه رایج در رشته‌هایی، مانند: جامعه‌شناسی و روان‌شناسی گرفته تا نوعی بی‌روشی در تحقیق که در آن هر چیزی به چیز دیگر ارتباط پیدا می‌کند.

هدف از این مقاله شناسایی خصوصیات روش تحقیق، ویژه مطالعات ادبی و معرفی رویکردهای مختلف آن و تأکید بر این نکته است که محقق باید با توجه به موضوع تحقیق و اهداف ویژه خود، از پیش، نسبت به اتخاذ روش مناسب اقدام کند و آنگاه به ضوابط آن روش تا پایان تحقیق پایبند باشد.

تنوع تحقیقات ادبی در ایران

یکی از علل بی‌نظمی در روش تحقیقات ادبی، گستردگی و تنوع کارهایی است که در این عرصه انجام می‌گیرد. کثرت الگوها، رویکردها و روشها در این مطالعات موجب

شده است تا گروهی بدون توجه به موضوع، اهداف و دامنه هر پژوهش از آنها به صورت دلخواه و غیر روشمند، به تنهایی یا مختلط استفاده کنند. نگاهی گذرا به انواع آثاری که به دنبال مطالعات ادبی در ایران انتشار می‌یابند، این گستردگی و تنوع را بخوبی نشان می‌دهد. این آثار عبارتند از:

۱- آثار ادبی کهن که پس از تصحیح نسخه‌های دست نویس معمولاً همراه با مقدمه‌ای کوتاه یا بلند منتشر می‌شوند. تصحیح نسخه از قدیمترین و گسترده‌ترین انواع تحقیقات ادبی است که در یک صد سال گذشته رواج داشته و در طول زمان متحول شده است. مصححان از این جهت که متنی منقح و نزدیکتر به متن اصلی در اختیار سایر پژوهشگران قرار می‌دادند، در پیشبرد تحقیقات ادبی سهم مهمی داشته‌اند.

۲- آثاری که به زندگینامه شاعران و نویسندگان و معرفی زمانه آنان می‌پردازند. این گونه مطالعات پیشینه‌ای طولانی دارد که در قدیم به شکل‌های مختلف؛ از جمله تذکره نویسی دنبال می‌شده است و امروزه در کتابهای تاریخ ادبیات و یا در قالبهای بیوگرافی و اتوبیوگرافی عرضه می‌شود.

۳- آثاری از نوع فرهنگهای لغت، دانشنامه‌ها، دایرة المعارف‌ها و کتابشناسی‌های مرتبط با ادبیات که مطالب آنها به شیوه‌ای خاص گردآوری و مرتب می‌شوند. هدف این گونه آثار طبقه‌بندی دانشهای ادبی و اطلاع رسانی نظام مند است.

۴- آثاری که در آنها علوم مرتبط با ادبیات مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و تئوریه‌ها، سبکها، مکتبها و مدل‌های ادبی معرفی می‌شوند. برخی از این آثار توصیفی و برخی دیگر از نوع تجویزی و توصیه‌ای هستند.

۵- آثاری از نوع حاشیه‌نویسی و پاورقی نویسی بر متون ادبی کهن که در آنها تلاش می‌شود تا ابهام معنایی متن، مرتفع و گاه ویژگیهای زبانی و ادبی آن به صورت موردی و پراکنده معرفی شود. گزیده‌های فراوانی که امروزه از آثار ادبی پیشینیان و معاصران منتشر می‌شود، نمونه‌هایی از این دسته‌اند که شکل‌های جدیدی به خود گرفته و گاه دارای مقدمه‌های تحقیقی مفیدی‌اند.

۶- آثاری که به مباحث زبانی توجه ویژه دارند، مانند مطالعات مربوط به دستور زبان که در آن ریشه‌شناسی واژگان و ساختار نحوی کلام در اولویت مباحث قرار دارد. این مباحث امروزه بیشتر با استفاده از علم زبان شناسی دنبال می‌شود. تحلیل زبان

شناسانه متون ادب فارسی نیز در دهه‌های اخیر رونق یافته و آثاری در زمینه تکنیکها و فنون متنوع برای چگونگی قرائت و فهم متن ادبی منتشر شده است.

۷- آثار انتقادی که در آنها با رویکردهای مختلف به نقد ادبی شعر و نشر فارسی پرداخته می‌شود. تعداد این آثار فراوان است و در اغلب آنها نگاه برون متنی حاکم است.

۸- آثار تفسیری که در آنها به شرح مبسوط متن ادبی در چارچوب تفکرات شاعر یا نویسنده توجه می‌شود. این آثار مربوط به متنهایی است که به علت صراحت معنایی، تنها یک تفسیر می‌پذیرند.

۹- آثار تأویلی که در آنها لایه‌های زیرین معنایی آثار ادبی توضیح داده می‌شود و با تأکید بر غیرقطعی بودن معنای متون ادبی و گاه با نادیده گرفتن ذهنیات شاعر یا نویسنده، معانی باطنی آن آثار از زوایای مختلف مورد کاوش قرار می‌گیرد. این دسته آثار مربوط به متنهای چندمعنایی و آثاری است که دارای ابهام معنایی گسترده‌اند.

۱۰- آثار تطبیقی که در آنها با هدف کشف روابط ادبی ملل مختلف و نشان دادن بازتاب ادبیات ملّتی در ادبیات ملّت دیگر، به بررسی شباهتها و تفاوتهای میراث ادبی دو یا چند زبان مختلف پرداخته می‌شود. این مقایسه، شخصیت‌های ادبی، آثار آنان، انواع ادبی، سبکها، دوره‌ها، جنبشهای ادبی و... ملّتهای مختلف را شامل می‌شود.

۱۱- آثار ترجمه‌ای از زبانهای گوناگون به زبان فارسی که از جهت موضوعی بسیار متنوع‌اند. لازمه موفقیت در ترجمه آثار ادبی و تحقیقات مرتبط با ادبیات، پژوهش و مطالعه گسترده مترجمان در زبان و ادبیات دو کشور است.

۱۲- آثار میان رشته‌ای یا چند رشته‌ای که در آنها با استفاده از دانشهای مختلف، به پدیده ادبیات نگریسته می‌شود، مانند آثاری که با رویکرد تحلیل گفتمان به بررسی متون ادبی می‌پردازند و در آنها متن ادبی در نظام و آرایش فرا جمله‌ای عناصر زبانی مورد توجه قرار می‌گیرد و از تأثیر عوامل درون متنی و برون متنی بر بافت آثار ادبی سخن گفته می‌شود.

۱۳- آثاری که در پی تحقیقات موردی؛ یعنی بررسی دقیق و عمیق موردی خاص از یک مجموعه انتشار می‌یابند. در این شیوه، هر واحد به منزله نماینده تمام یا گروه زیادی از موارد موجود مورد مطالعه قرار می‌گیرد، مانند بررسی اولین غزل دیوان حافظ در کتاب **گمشده لب دریا** (ر. ک: پورنامداریان، ۱۳۸۲: ۳۳۹-۴۵۵). تحقیقات موردی از آن جهت اهمیت دارند که نمونه‌ای از مسائل یک مجموعه را روشن می‌کنند و

زمینه ساز فرضیه‌سازی برای تحقیقات دیگر می‌شوند و به وسیله آن می‌توان به گونه‌شناسی موضوع مورد تحقیق پرداخت.

۱۴- آثاری که نتایج تحقیقات میدانی در برخی از زمینه‌های زبان و ادبیات را منعکس می‌کنند؛ تحقیقاتی که با استفاده از ابزارهای پژوهشی علوم اجتماعی؛ مثل پرسشنامه یا مصاحبه اجرا و گاهی اطلاعات آن با استفاده از علم آمار تحلیل می‌شود مثل تحقیقات در زمینه فولکلور و یا ضرب المثل‌های رایج در زبان امروزی.

۱۵- آثاری که با ترکیب یا تلفیق چند نوع از رویکردهای یاد شده، به بحث درباره متن ادبی می‌پردازند.

همان طور که ملاحظه می‌شود، فعالیت‌های علمی متنوعی با موضوع ادبیات در ایران جریان دارد. بعضی از این پژوهش‌ها درون متنی و برخی برون متنی و گروهی نیز تلفیقی از هر دو هستند. از طرف دیگر بعضی از این پژوهش‌ها، مانند تصحیح نسخه بیشتر در بررسی متون کهن کاربرد دارند؛ درحالی که ظرفیت پژوهشی بعضی از این رویکردها در متن‌های ادبی معاصر بیشتر است؛ مثلاً نقد روان‌شناسانه یک متن معاصر بسیار آسانتر از نقد روان‌شناسانه یک متن کهن است، زیرا اطلاعات پیرامونی درباره متن و نویسنده معاصر بیشتر در دسترس پژوهشگر قرار دارد.

روش یابی در تحقیقات ادبی

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که با توجه به کثرت و تنوع مطالعات در عرصه ادبیات فارسی، آیا می‌توان همه این پژوهش‌ها را با یک روش مورد مطالعه قرار داد؟ و اصولاً آیا می‌توان همه این فعالیت‌ها را پژوهش ادبی به حساب آورد؟ مثلاً آیا تصحیح نسخه‌های خطی یک تحقیق ادبی اصیل است و یا اصولاً بررسی زمانه و زندگی شاعر، صرفاً یک پژوهش ادبی است و باید تنها با موازین و امکانات ادبی، مانند مراجعه به اثر آن شاعر مورد بررسی قرار گیرد، یا از مقوله پژوهش تاریخی است و لازم است با روش و ضوابط تحقیقات تاریخی مطالعه شود؟

اصولاً کدام یک از این فعالیت‌های علمی، پژوهش ادبی اصیل به شمار می‌رود و کدام یک مستقیماً به پژوهش ادبی مربوط نمی‌شود و کدام یک، هم از پژوهش‌های ادبی و هم از پژوهش‌های سایر رشته‌ها بهره می‌گیرد؟

انتخاب روش تحقیق درست، مشروط به شناختن مسأله‌ای است که پژوهشگر ادبی می‌خواهد به تحقیق درباره آن بپردازد؛ یعنی پژوهشگر باید مشخص کند که مسأله او از نوع توصیفی است؛ تفسیری است؛ تبیینی است یا از انواع دیگر؟ آن گاه باید به تبارشناسی مسأله بپردازد تا بداند که به کمک کدام علم می‌تواند تحقیقات خود را سامان دهد. محقق باید در مواجهه با مسأله، از خود بپرسد که مسأله من ریشه در کدام علم دارد، تا بتواند روشهای مناسب را برگزیند. تشخیص این که مسأله مورد پژوهش ریشه در کدام علم دارد، از مهمترین گامهای شناخت دقیق مسأله است (قراملکی، ۱۳۸۳: ۱۲۹ و ۱۳۰).

در صورتی که پژوهشگر ادبی در تبارشناسی مسأله تحقیق اشتباه کند، در انتخاب روش درست تحقیق با مشکل مواجه خواهد شد و نتیجه مطالعات او ابتر و غیرقابل اعتماد می‌شود؛ همچنان که بعضی از محققان بدون توجه به اینکه جستجو در زندگینامه شاعر، ریشه در علم تاریخ دارد، تنها با استناد به شعر شاعر که با ذوق، عاطفه و تخیل او پیوند خورده است و بدون تفاوت قایل شدن میان شاعر و راوی، به اظهار نظر درباره کیفیت زندگی او پرداخته‌اند و به نتایج متفاوت رسیده‌اند؛ مثلاً گروهی از آنان با استناد به شواهدی از آثار سعدی، سال تولد او را ۵۸۵ هـ.ق. و گروهی دیگر نیز با استناد به شواهدی دیگر از آثار او، سال تولد او را ۶۰۶ هـ.ق. دانسته‌اند (ر. ک: موحد، ۱۳۷۰: ۳۳-۳۷).

واقعیت این است که عرصه پژوهشهای ادبی گسترده است و بسیاری از مسائل آن ریشه در علوم مختلف دارد. هر پژوهشگر ادبی پس از انتخاب مسأله و گونه‌شناسی آن، باید تشخیص دهد که آیا «مسأله تحقیق» مورد نظر او، تک‌تباری است یا چندتباری. اگر مسأله او چندتباری است، از روش و ضوابط مطالعات میان رشته‌ای یا چند رشته‌ای پیروی کند، و اگر مسأله او تک‌تباری است تنها از روش آن رشته‌ای استفاده کند که مسأله او به آن رشته تعلق دارد. در هر صورت، پایبندی به اصول و ضوابط روش مورد نظر برای محقق ضروری است؛ مثلاً وقتی محقق به ادبیات تطبیقی می‌پردازد، باید اصول و چارچوب پژوهشهای تطبیقی را رعایت کند؛ یعنی تنها به بیان شباهتهای دو شخصیت ادبی اکتفا نکند، بلکه تفاوتهای آن دو را نیز برشمرد. در بیان تفاوتها و شباهتها به چرایی آنها نیز بپردازد و علاوه بر روشهای رایج، از شیوه‌های غیرمستقیم نیز برای عبور از شباهتها و تفاوتهای ظاهری بهره جوید تا به شباهتها و تفاوتهای واقعی دو شخصیت دست پیدا کند.

پژوهش ادبی و تحقیقات کیفی

پژوهشهای علمی را بر اساس ماهیت داده‌های تحقیق به دو نوع کمی و کیفی تقسیم می‌کنند. دانشمندان در پژوهش کمی - که بر اساس مکتب اثبات‌گرایی (Positivism) استوار است، علاقه‌مند به تبدیل اطلاعات تحقیق به صورت نمادهای ریاضی‌اند تا برای تحلیل‌های آماری قابلیت داشته باشد، اما پژوهش کیفی - که بر مکتب پسااثبات‌گرایی (Postpositivism) بنا شده است و از روش‌شناسی تفسیری پیروی می‌کند - توصیفی است که در آن محقق به فرآیند معنی و درک حاصل از واژگان و تصاویر تمایل دارد (ازکیا، ۱۳۸۲: ۲۹۵ و ۲۹۶).

سنت تحقیقاتی حاکم بر رشته‌های علوم انسانی به تبعیت از اصول حاکم بر علوم طبیعی عمده‌ای از نوع کمی است و پژوهشگران این رشته‌ها نیز معمولاً با فرضیه‌ای از پیش تعیین شده وارد عرصه پژوهش می‌شوند تا با شیوه‌هایی خاص آنها را اندازه‌گیری کنند. در پژوهش ادبی نیز کسانی مانند سنت بوو، تن و برون‌تیر از این شیوه پیروی می‌کردند. آنان می‌خواستند برای ادبیات نیز قوانین ثابت مانند قوانین علوم طبیعی وضع کنند؛ به طوری که بر تمام ادیبان و همه آثار ادبی قابل تطبیق باشد. از دیدگاه آنان نویسنده یا شاعر با همه نوشته‌ها و آثارش برآیند قانونهای قطعی است که در گذشته و حال و آینده عمل کرده، می‌کند و خواهد کرد (ر. ک: ضیف، ۱۳۷۶: ۱۰۱-۱۱۲).

اما در دهه‌های اخیر روش پژوهش کیفی در تحقیقات علوم انسانی مورد توجه جدی قرار گرفت و مقبولیت یافت. در این روش، بر خلاف پژوهش کمی، هدف علم رسیدن به قوانین ثابت نیست و پژوهشگر قصد ندارد تا با تعمیم یافته‌های خود، به قوانین جهان شمول برسد و وضعیتها را پیش‌بینی کند، بلکه هدف او توصیف و فهم پدیده‌ها و نهایتاً رسیدن به الگوها به جای قوانین است. در این نوع پژوهش که بر خلاف روش کمی بر شیوه استقرایی استوار است، پژوهشگر می‌داند که نتایج تحقیق او به زمینه‌ها و شرایط موجود و زمان تحقیق وابسته است و هر پدیده‌ای را باید در موقعیت و بافت مشخصی مورد بررسی قرار داد (ر. ک: جوکار و سامانی، ۱۳۷۸: ۳۴-۴۲).

پژوهش کیفی بیشتر در علوم اجتماعی و انسانی مثل مردم‌شناسی، علوم تربیتی، مطالعات ادبی، مطالعات فرهنگی و علوم سیاسی به کار می‌رود و معمولاً پژوهشی ترکیبی است؛ یعنی از مجموعه‌ای از روشها، فنون و ابزارها؛ مثل تجربه شخصی، درون‌نگری، شرح حال، روایت، فرآورده‌های فرهنگی و انواع متون مبتنی بر مشاهده،

متون تاریخی، متون تعاملی و بصری بهره می‌گیرد و گستره وسیعی از روشهای تأویل و تحلیل‌های تفسیری را دربرمی‌گیرد. در واقع، به قول ریچاردسون، پژوهش کیفی تلاشی است برای درک و شناخت یک پدیده از جهات و زاویه‌های مختلف و درگیرشدن در فرآیندی شبیه متبلور کردن پدیده مورد بررسی (رها دوست، ۱۳۸۳: ۲۵۰).

پژوهشهای ادبی اصیل از این جهت که ناظر به مفاهیم و فرآیندهایی هستند که نمی‌توان آنها را به صورت کمی اندازه‌گیری کرد، از نوع پژوهشهای کیفی‌اند و به همین سبب با خصوصیات و ضوابط پژوهشهای کیفی سر و کار دارند؛ مثلاً طرح تحقیقاتی در پژوهش ادبی مثل سایر پژوهشهای کیفی، کاملاً انعطاف‌پذیر است؛ یعنی به دشواری می‌توان در آغاز، طرحی مدون و استاندارد را که تمام مراحل تحقیق دقیقاً در آن پیش‌بینی شده باشد، ارائه داد، زیرا طرح تحقیق واقعی در این گونه پژوهش در جریان تحقیق به صورت مرحله‌ای شکل می‌گیرد.

پژوهشگر ادبی معمولاً کار خود را با فرضیه‌سازی شروع نمی‌کند، بلکه با سؤال آغاز می‌کند و در جریان جمع‌آوری اطلاعات در هر مرحله، فرضیه یا فرضیه‌هایی را ارائه می‌دهد. بنابراین، جای فرضیه در طرح تحقیق ادبی شناور است.

پژوهشگر ادبی بر اساس شیوه تحقیقات کیفی، شخصاً باید در جمع‌آوری اطلاعات مشارکت داشته باشد و برای فهم دقیق موضوع مورد مطالعه کاملاً خود را به آن نزدیک کند. اما در پژوهش کمی تأکید می‌شود تا آنانی که از اهداف پژوهش خبر دارند، در جمع‌آوری اطلاعات مشارکت نداشته باشند. مشارکت پژوهشگران «بدان معنا نیست که تحقیق کیفی حالت قضاوت ذهنی، تعصب و یکسونگری به خود می‌گیرد، بلکه پژوهشگر تحقیق کیفی از این امر آگاه است که همه تحقیقات در علوم انسانی دستخوش اعمال نظر شخصی قرار خواهند گرفت. بر همین اساس، کسی که تحقیق کیفی انجام می‌دهد، می‌کوشد تا دامنه بحث را به معرفت‌شناسی بکشاند و راهکارهایی را ارائه نماید که قابل اعتماد و اعتبار بودن تحقیق را تضمین کند.» (مارشال، ۱۳۸۱: ۱۰)

اصولاً هدف اصلی پژوهش ادبی، فهم متن، تفسیر و نقد آن است (متن در اینجا شامل گفتار و نوشتار می‌شود). فهم معنای متن گاهی فهم نیت شاعر یا نویسنده و گاهی درک اثر‌پذیری و تعامل خواننده با متن است و گاهی هر دو آنها را شامل می‌شود.

روش تحقیق ویژه مطالعات ادبی نیز، روشی است که به فهم متن ادبی کمک کند. برای شناسایی و دستیابی به خصوصیات این روش باید ابتدا بدانیم که متن ادبی

چیست؟ از چه عناصری تشکیل شده است؟ چه ویژگی‌هایی دارد؟ دارای چه انواعی است و فرآیند شکل‌گیری آن چگونه است؟ همچنین باید بدانیم که معرفت ادبی چیست و چه خصوصیاتی دارد؟ اصولاً فهم و درک متن ادبی براساس چه فرآیندی صورت می‌گیرد و چه عواملی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بر آن اثر می‌گذارد؟

پس از پاسخگویی دقیق به این سؤال‌هاست که متوجه می‌شویم زمینه‌هایی که متن ادبی در آن شکل می‌گیرد، در فهم آن فوق‌العاده مؤثر است. بخشی از این زمینه‌ها اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که می‌توان آنها را شناخت، اما بخشی دیگر از زمینه‌ها فردی است و ریشه در احساسات و عواطف آفرینشگر ادبی دارد که برای راهیابی به آن باید شیوه‌ای مناسب برگزید. پژوهشگر ادبی برای راهیابی به عمق و کنه شعر شاعر، باید ذهنیت و احساس شاعر را در هنگام سرودن شعر بخوبی درک کند. شاید بهترین روش برای درک فضای ذهنی و عاطفی شاعر، روش تفهّم یا همدردی (Empathy) باشد که کسانی مانند ماکس وبر از آلمان و رابرت جرج کالینگ وود و پیتر وینچ از انگلستان، آن را برای تحقیقات در علوم انسانی پیشنهاد می‌کنند. این فیلسوفان معتقدند که یک دانشمند علوم طبیعی فرضاً وقتی سنگی را در میدان جاذبه زمین مشاهده می‌کند، به هیچ وجه با آن سنگ همدردی نمی‌کند و سعی نمی‌کند که خودش را به جای سنگ قرار دهد و ببیند بر سر این سنگ چه می‌آید و چه حالاتی پیدا می‌کند و چگونه کشیده می‌شود و به زمین می‌افتد. در اینجا دانشمند فقط نظاره‌گر است و نمی‌کوشد تا از انسانیت خود فروآید و جامه طبیعت بپوشد تا راز آنها را دریابد، بلکه به عکس، جدایی و برکناری خود را از طبیعت حفظ می‌کند و بیرون می‌نشیند، اما با دقت علمی و ریاضی هرچه تمامتر سعی می‌کند حرکت اشیاء را در طبیعت تفسیر کند و به قالب قانون بریزد. از نظر این فیلسوفان چنین روشی در مطالعه پدیده‌های انسانی مثمر ثمر نیست و محکوم به شکست است. اگر یک پژوهشگر که در امور انسانی جستجو می‌کند، بخواهد همچون یک آینه بی‌احساس فقط صورت حوادث بیرونی را در خود منعکس کند و از خود هیچ همدردی و همفکری نشان ندهد و مانند یک بیگانه با امور مورد مطالعه برخورد کند، هرگز به عمق موضوع راه پیدا نخواهد کرد. کمترین شرط اینکه کسی بخواهد یک مسأله انسانی را خوب بفهمد، این است که انسان باشد (ر. ک: سروش، ۱۳۶۶: ۲۶-۲۹).

پژوهشگر ادبی با استفاده از روش یاد شده که از انواع پژوهش کیفی است، تنها در نقش یک تماشاچی ظاهر نمی‌شود، بلکه از طریق بازیگری و مشارکت فعال به شناخت موضوع دست می‌یابد. او ضمن اینکه یک پژوهشگر مشاهده کننده است، سعی می‌کند با متن ادبی رابطه دستانه برقرار کند و با خالق آن همدردی کند تا به شاعر یا نویسنده نزدیکتر شود و به درون او راه یابد. بنابراین، پژوهشگر در تحقیقات ادبی باید از مهارت زیادی در زمینه مشاهده و مشارکت برخوردار باشد.

پژوهشگرانی نیز که می‌خواهند با رویکرد انتقادی درباره یک اثر ادبی یا خالق آن تحقیق کنند، نیاز دارند تا با این شیوه ابتدا به شناخت درست و عمیقی از آنها دست یابند و آنگاه واقع بینانه و منصفانه به نقد بپردازند.

نکته دیگری که پس از پاسخگویی به پرسشهای مطرح شده به آن می‌رسیم، این است که اغلب مسائل و موضوعات پژوهشی در عرصه ادبیات، چند وجهی و آمیزه‌ای از دانشهای گوناگون و از نوع چندتباری است و برای فهم همه جانبه آنها باید با استفاده از نظام تحقیقاتی میان رشته‌ای و چند رشته‌ای در چارچوب پژوهشهای کیفی وارد عمل شد. یادآوری می‌شود که چند رشته‌ای بودن با پژوهش میان رشته‌ای تفاوت دارد. چندرشته‌ای بودن به معنای در کنار هم قرار گرفتن دو یا چند رشته علمی در یک موضوع خاص است، مانند همکاری چند پزشک دارای تخصصهای مختلف برای یک عمل جراحی. در این رویکرد، الگوهای هر یک از رشته‌ها در فضا و قالب طراحی شده خود به صورت مستقل استفاده می‌شوند، مانند فهم معنی ظاهری یک متن کهن با استفاده از بررسیهای واژگانی، دستور زبان و آرایه های ادبی؛ در حالی که میان رشته‌ای بودن به معنای تغییر شکل دو یا چند رشته علمی و به وجود آمدن شکلی تازه از دانشهای رشته‌های قبلی است، مانند رویکرد تحلیل گفتمان.

در تحقیقات میان رشته‌ای، به جای پارادایم گسستن و فروکاستن و تک بعدی‌سازی، پارادایم تمایزدهی و پیونددهی اصل قرار می‌گیرد؛ پارادایمی که متمایز کردن را بدون گسستن و پیوند دادن را بدون فروکاستن یا این همانی کردن امکان پذیر می‌کند. این پارادایم از اصل یگانه بسیار گانه یا وحدت در کثرت پیروی می‌کند (مورن، ۱۳۷۹: ۲۱).

پژوهشگر باید برای حل مسائل پیچیده ادبی با شیوه‌ای تلفیقی و ترکیبی از رویکردهای پژوهشی که در قسمت «تنوع تحقیقات ادبی» این مقاله آمده است؛

متناسب با مسأله خود برای فهم متن بهره گیرد تا بتواند همه ابعاد و زوایای یک اثر ادبی را کشف کند.

«ذهن پژوهشگران باید همچون آینه‌ای شود که روشنایی همه این روشها را بازتاباند. این آینه بازتابنده اندیشه فردی، اصالت و ابتکار، مکتب یا شاخه ادبی، و نیز اندیشه‌های محیط و زمان، تحولات تاریخی، نیازمندیهای اقتصادی جامعه، تعهد و میزان سخن‌گویی هنرمند از سوی جامعه، ته نشینهای ناخودآگاه فردی و جمعی، عناصر کلی زیبایی شناسی و موسیقی سخن است. این آینه همچنین باید حس سرشار پژوهشگر نسبت به اثر ادبی، میزان پیوند صاحب اثر با میراث هنری و نیز تحلیلهای زبانشناختی، دستوری و بلاغی را به نمایش گذارد.» (ضیف، ۱۳۷۶: ۱۷۱)

البته، این امور متنوع باید در راستای حل مسأله تحقیق مورد توجه قرار گیرد و از الگویی روشمند پیروی کند تا به هرج و مرج روشی و نتایج متناقض منجر نشود. استفاده از الگوی روشمند برای بهره‌گیری از رویکردها و روشهای پژوهشی، مستلزم بررسی لایه به لایه متن و در نظر داشتن اولویت پژوهشی در شناخت سطوح مختلف آن است؛ یعنی در فرآیند فهم متن ادبی با سطوح مختلفی مواجه می‌شویم که درک هر کدام از آنها می‌تواند با استفاده از رویکردی مستقل و جداگانه بررسی شود؛ به طوری که همه آنها در یک فرآیند کلی با هم همکاری داشته باشند. مثلاً اگر مورد پژوهش، نسخه‌ای خطی از متون کهن باشد، منطقی است که ابتدا متنی منقح و نزدیکتر به متن اصلی نویسنده یا شاعر در دست داشته باشیم. از این رو، تصحیح نسخه در اولویت قرار دارد. آن گاه لازم است با استفاده از رویکرد توضیحی از واژگان متن که به علت تحوّل زبان فارسی نامفهوم شده‌اند، ابهام زدایی شود و در کنار تفسیرهای لغوی به بررسیهای دستوری و سبک شناختی و تحلیل بلاغی و زیبایی شناسانه پرداخته شود. در صورتی که متن ادبی از نوع متن باز (open text) و چندصدایی باشد (ر. ک: رضی، ۱۳۸۲: ۱۱۶ - ۱۱۸)، معانی انضمامی آن تفسیر شود و لایه‌های زیرین معانی آن با استفاده از روش تأویلی بررسی گردد. همچنین متن ادبی با توجه به ظرفیت آن و هدف پژوهشگر می‌تواند با دید انتقادی در چارچوب رویکردهای گوناگون نقد ادبی تحلیل شود و در مقایسه با آثار ادبی سایر زبانها در قالب ادبیات تطبیقی مورد مطالعه قرار گیرد تا از رهگذر بیان شباهتها و تفاوتهای آنها، زوایای دیگری از اثر ادبی شناخته شود و یا با

استفاده از دیدگاههای میان رشته‌ای، همچون نشانه‌شناسی و مطالعات فرهنگی تجزیه و تحلیل گردد.

نتیجه‌گیری

سامان بخشی تحقیقات ادبی با توجه به کثرت و تنوع آنها در عرصه زبان و ادبیات فارسی، مستلزم نگاهی روشمند به مقوله پژوهش ادبی است. پژوهشگر ادبی باید با توجه به نوع مسأله و هدف پژوهش خود، رویکردی متناسب با موضوع تحقیق برگزیند و از آغاز تا پایان پژوهش به روش آن پایبند باشد. در صورتی که مسأله پژوهش او از نوع تک‌تباری است، از روش همان رشته‌ای استفاده کند که مسأله ادبی به آن رشته تعلق دارد و اگر مسأله ادبی او از نوع چند تباری است، از روش و ضوابط مطالعات میان رشته‌ای یا چندرشته‌ای بهره گیرد.

روش تحقیق ویژه تحقیقات ادبی اصیل از نوع کیفی است، زیرا هدف از آنها توصیف و فهم پدیده‌های ادبی است، نه اندازه‌گیری و مواجهه کمی با آن. اما برخی از گونه‌های تحقیقات ادبی، بویژه مطالعات مرتبط با زبان، طیفی و پیوستاری‌اند که یک سوی آن تحقیقات کیفی و سوی دیگر آن تحقیقات کمی قرار دارد.

کیفی بودن ماهیت پژوهشهای ادبی مانع از آن نیست که محقق راههای کمی کردن نتایج تحقیق را بیاموزد و در صورت امکان نتایج پژوهش خود را در قالب کمی عرضه کند. برای راهیابی به فضای ذهنی و عاطفی آفرینشگران ادبی، روش تفهم یا همدردی-که نوعی از پژوهش کیفی است- پیشنهاد می‌شود. بر اساس این روش، پژوهشگر ادبی در صورتی موفق به درک واقعی پدیده ادبی خواهد شد که درصدد ایجاد رابطه صمیمانه، توأم با همدردی با متن و نویسنده باشد و آن گاه با استفاده از نظام تحقیقاتی تلفیقی و ترکیبی همه ابعاد و زوایای یک اثر ادبی را کشف کند.

منابع

- ۱- ازکیا، مصطفی و علیرضا دربان آستانه. (۱۳۸۲). روشهای کاربردی تحقیق، ج ۱، تهران: کیهان.
- ۲- پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۲). گمشده لب دریا، تهران: سخن.

- ۳- جوکار، بهرام و سیامک سامانی. (۱۳۸۴). «مقایسه تحقیقات کیفی و تحقیقات کمی»، به کوشش معاونت پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز، نخستین همایش روش تحقیق در علوم انسانی (مجموعه مقالات)، شیراز: ملک سلیمان، صص ۳۳-۴۸.
- ۴- رضی، احمد. (۱۳۸۲). «دیوان حافظ بازترین متن ادب فارسی» پژوهشهای ادبی، ش ۴، صص ۱۰۳-۱۲۰.
- ۵- رها دوست، بهار. (۱۳۸۳). «روش شناسی پژوهش کیفی» مجله زیبا شناخت، ش ۱۱، صص ۲۴۹-۲۵۹.
- ۶- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۲). یادداشتها و اندیشه‌ها، تهران: جاویدان.
- ۷- ستوده، غلامرضا. (۱۳۸۱). مرجع شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی، تهران: سمت.
- ۸- سروش، عبدالکریم. (۱۳۶۶). تفرّج صنع، تهران: سروش.
- ۹- سیلورمن، دیوید. (۱۳۸۱). روش تحقیق کیفی در جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: تبيان.
- ۱۰- ضیف، شوقی. (۱۳۷۶). پژوهش ادبی، ترجمه عبدالله شریفی خجسته، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۱۱- قراملکی، احد. (۱۳۸۳). اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهی، قم، حوزه علمیه.
- ۱۲- مارشال، کاترین و گرچن ب. راس من. (۱۳۸۲). روش تحقیق کیفی، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- ۱۳- موحد، ضیاء. (۱۳۷۳). سعدی، تهران: طرح نو.
- ۱۴- مورن، ادگار. (۱۳۷۹). درآمدی بر اندیشه پیچیده، تهران: نی.

